

«آرون دیوید میلر» مذاکره کننده ارشد در دولت‌های دموکرات و جمهوری خواه گذشته در فارن پالیسی نوشت که «سعود الفیصل»، وزیر خارجه وقت عربستان سعودی در مصاحبه‌ای در سال ۲۰۰۴، «دیوید اوتاولی» روزنامه‌نگار سابق واشنگتن پست گفت که رابطه ایالات متحده و عربستان یک «زدواج کاتولیک» نبوده که در آن تنها یک همسر مجاز است. این یک «زدواج اسلامی» بود، که در آن داشتن چهار همسر مجاز است.
آنطور که اوتاولی نوشته بود: «عربستان سعودی به دنبال تلاش از ایالات متحده نبود، صرفا در پی ازدواج با کشورها دیگر بود.»

به گزارش سرویس بین‌الملل «انتخاب»، در ادامه این مطلب آمده است: اکنون این تجدید فراش سعودی تحقق یافته است. سفر «شی جین پینگ» رئیس‌جمهوری چین به عربستان واضح ترین ظهور و بروز این واقعه است.سفر شی جین پینگ به عربستان یک صحنه نه چندان جذاب از «بیاپری کمی رفح کدورت کنیم» نیست. این دیدار بسیار به میزبانی بر زرق و برق از دونالد ترامپ، رئیس جمهور سابق ایالات متحده در سال ۲۰۱۷ شباهت داشت: ملاقات سران سعودی به عنوان بزرگترین منبع نفت وارداتی چین با شی به عنوان رهبر بزرگترین شریک تجاری سعودی‌ها، مراسمی پر از جلوه و شکوه و آغوش گرم بود.
پکن نمی‌تواند در موضوعی که برای سعودی‌ها بسیار مهم است، یعنی تأمین امنیت آنها در یک منطقه برآشوب، جایگزین واشنگتن شود. اما روزهای تک همسری ریاض با واشنگتن احتمالاً به آخر رسیده است. در جنگ سرد این روزها، و افزایش تنش‌ها و رقابت بین ایالات متحده از یک طرف و چین و روسیه از طرف دیگر، عربستان سعودی نه تنها از جانبداری کردن از یکی از طرفین خودداری می‌کند، بلکه این احتمال وجود دارد که به دلیل منافع خود به پکن و مسکو نزدیک‌تر شود. به طور خلاصه، واشنگتن دیگر تنها زن شهر نیست.

وسوسه انگیز است که هدف عربستان از بهبود روابط با چین را یک تاکتیک موقت به منظور تذکر به ایالات متحده برای توجه بیشتر به منافع ریاض بدانیم. روابط شخصی محمد بن سلمان، ولیعهد سعودی و جو بایدن، رئیس جمهور ایالات متحده، چندین صمیمانه نبوده و ولیعهد سعودی گفته است که برایش اهمیتی ندارد که بایدن در مورد او چه فکری می‌کند و بایدن نیز به صراحت گفته چندان به رهبر عربستان فکر نمی‌کند. اما آنچه به روابط ایالات متحده و عربستان سعودی آسیب می‌زند، بسیار عمیق تر از احساسات بایدن و بن سلمان نسبت به یکدیگر است. داد و ستد اساسی که روابط را برای دهها حفظ کرده بود، یعنی نیاز واشنگتن به نفت عربستان و نیاز ریاض به تضمین‌های امنیتی ایالات متحده، به لطف لیستی طولانی از تنش‌ها و فشارها، طی سال‌های اخیر از بین رفته است.
– حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر، که در آن ۱۵ تن از ۱۹ هواپیمابر، اتباع سعودی بودند و سؤالات باقی مانده در مورد میزان اطلاع دولت سعودی از این توطئه –حمله ایالات متحده به عراق در سال ۲۰۰۳ که منجر به بر سر کار آمدن یک رژیم تحت سلطه شیعیان در بغداد شد که در برابر نفوذ ایران آسیب پذیر بود –واکنش ایالات متحده به بهار عربی که در آن واشنگتن،

فارن پالیسی بررسی کرد

جایگاه ایران در بازی عربستان با آمریکا و چین

روابط واشنگتن و ریاض در آستانه فروپاشی نیست



حسنی مبارک رئیس جمهور وقت مصر را تحت فشار قرار داد تا از قدرت کناره گیری کند و اصلاحات دموکراتیک را در سایر نقاط خاورمیانه و شمال آفریقا تشویق کرد –انقلاب فرکتیک و شسیل که ایالات متحده را به یک رقیب نفتی تبدیل کرد –توافق هسته ای دولت اوباما با دشمن اصلی عربستان سعودی، یعنی ایران

نگرانی‌های فزاینده ریاض در مورد تعهد ایالات متحده به امنیت عربستان سعودی که با واکنش ضعیف واشنگتن به حملات پهنپادی موشکی ایران در سپتامبر ۲۰۱۹ به دو تأسیسات کلیدی تولید نفت عربستان بیشتر مورد توجه واقع شد

– و در نهایت، ظهور محمد بن سلمان بی رحم و بی پروا و دست‌نور او برای قتل منتقد مقیم آمریکایش، یعنی جمال خاشقجی

به نظر می‌رسد تلاش برای اصلاح روابط فقط آن را بدتر می‌کند. علیرغم مشت به مشت کوبیدن برادرانه بایدن و بن سلمان در سفر رئیس جمهور آمریکا به ریاض، به نظر می‌رسد سعودی‌ها دست بالا را داشتند و خیلی بیشتر از چیزی که دادند دریافت کردند، در حالی که هیچ قدرتی برای صف آرایی در کنار دولت بایدن در برابر تجاوز روسیه به اوکراین یا در برابر چین در حال ظهور نداشتند.
یافتن کلمه ای علیه دشمنان واشنگتن، در بیانیه‌هایی که پس از آن جلسه منتشر شد، دشوار است. هر تفاهمی که دو طرف در مورد تلاش عربستان برای افزایش تولید نفت به دست آورده بودند، در لحظه ای که در نشست اوپک پلاس در اکتبر، سعودی‌ها و روس‌ها تصمیم گرفتند تولید را به میزان ۲ میلیون بشکه در روز کاهش دهند، از بین رفت. این اقدام سعودی‌ها در واشنگتن به عنوان حمایت مستقیم از تأمین مالی ماشین جنگی ولادیمیر پوتین رئیس جمهور روسیه در جنگ علیه اوکراین تلقی شد.

جالب توجه است که بایدن در مقاله ای که در واشنگتن پست قبل از سفر ژوئیه خود به خاورمیانه نوشت، اشاره

مخابراتی چینی China Mobile International یادداشت تفاهمی با ریاض امضا کرد تا «کوئسیستم رسانه‌های دیجیتال در عربستان سعودی را توسعه دهد.»

پیشنهاد دیگر پکن به ریاض، روابط سیاسی بدون دخالت در امور داخلی این کشور از جمله نگرانی‌های حقوق بشری است. البته این به صورت دوجانبه عمل می‌کند: شی جین پینگ از زمان آغاز همه گیری کرونا به ندرت به خارج از چین سفر کرده است، و تصادفی نیست که او عربستان سعودی را به عنوان یکی از اولین سفرهای خود به خارج از کشور انتخاب کرده است.
کشوری که توسط یک اقتدارگرا همانند خودش اداره می‌شود و در آن هیچ اعتراض یا پوشش مطبوعاتی درباره اویغورها، هنگ کنگ یا تظاهرات اخیر چین علیه قرظینه وجود نخواهد داشت. محمد بن سلمان و شیعی به عنوان اعضای با حسن نیت و برجسته باشگاه طرفداران استبداد، پیوند مشترکی دارند که آنها را در برابر فشارهای خارجی برای اصلاح، دموکراتیک کردن و ارتقای حقوق بشر، متحد می‌کند.

این بدان مناسبت که برخلاف سفر بایدن به عربستان سعودی، سفر شیی با آغوش گرم طرفین همراه بود. این سفر که احساس ناخوشایند برای طرفین همراه بود، این سفر که طبق گزارش‌ها شامل سه نشست بود (اول دیدار شی، ملک سلمان پادشاه عربستان و محمد بن سلمان؛ دوم نشست رهبر چین و کشورهای حاشیه خلیج فارس؛ و سومی اجلاس شی جین پینگ و کشورهای اتحادیه عرب) به محمد بن سلمان و شی این امکان را می‌دهد که مرکزیت خود را در منطقه نشان دهند.

خبرگزاری دولتی عربستان گزارش داده است که بیش از ۳۰ تن از سران کشورها و رهبران سازمان‌های بین‌المللی در این مراسم شرکت کردند.

روابط آمریکا و عربستان در شرف فروپاشی نیست. واشنگتن احتمالاً شریک کلیدی ریاض در زمینه همکاری امنیتی و اطلاعاتی باقی خواهد ماند و تهدید خارجی ایران احتمالاً تضمین می‌کند که حداقل یکی از جنبه‌های این روابط به صورت ویژه باقی بماند، هر چند تا حدودی آسیب دیده باشد.

چین نمی‌تواند با جذابیت و کارایی تسلیحات ایالات متحده رقابت کند یا به عنوان ضامن آزادی دریاوردی در خلیج فارس عمل کند. در واقع، این نیروی دریایی ایالات متحده است که از منابع انرژی چین در آنجا محافظت می‌کند و به آنها کمک می‌کند. با این حال، دولت بایدن باید به وقت مراقب فروش نوع پیشرفته‌تر موشک‌های چینی به عربستان و همچنین نوع همکاری هسته ای اولیه ریاض و پکن باشد.

به هر حال، یک چیز مسلم است، رابطه آمریکا و عربستان دیگر همان رابطه قدیمی نیست. دوران پادشاهان سعودی ریسک گریز و اجماع محور به پایان رسیده است. در عوض، ما شاهد یک پادشاه ریسک پذیر، با اعتماد به نفس و حتی سرکش سعودی هستیم که می‌داند، چه با انقلاب سبز چه بدون آن، جهان برای سال‌های آینده به هیدروکربن‌های عربستان وابسته خواهد بود. ایالات متحده هنوز در محاسبات محمد بن سلمان بسیار مهم است، اما شاید نه به آن محور و مرکز امور.

هانی‌زاده:

چین رسماً در حق ایران جفا کرد



یک کارشناس مسایل بین‌الملل گفت: عربستان در نزدیکی به چین رویکرد تاکتیکی دارد و بعد از اینکه چین را از ایران جدا کرد، رابطه خود را با چین قطع می‌کند.

حسن هانی‌زاده در گفت‌وگو با ایسنا با اشاره به سفر رئیس‌جمهور چین به عربستان و قطر و گسترش روابط اقتصادی و تجاری این کشور با کشورهای عربی منطقه و کشورهای عربی حوزه خلیج فارس گفت: سفر رئیس‌جمهور چین به عربستان برآیند چند اتفاق در منطقه است؛ تهدیدات امنیتی تایوان به چین، کمک نظامی آمریکا به تایوان، تلاش آمریکا برای ششبه سازی حوادث اوکراین در تایوان، با توجه به انزوای

سیاسی و نظامی چین، این کشور قصد دارد به نوعی از این شرایط خارج شود از این رو در سفر به عربستان ۲۵ توافق همکاری اقتصادی و انرژی با عربستان امضا شد. وی ادامه داد: مهم‌چین دیدار رئیس‌جمهور چین با رهبران کشورهای عربی از جمله حوزه خلیج فارس نشان می‌دهد که چین یک برنامه فراگیر برای صادرات کالاهای خود به کشورهای اسلامی و عربی در نظر گرفته است. اما این تلاش و هدف با مخالفت آمریکا مواجه می‌شود.
امریکایی‌ها اجازه نم‌دهند چین به بازار بخش مهمی از جهان در آفریقا و آسیا دست یابد. این کارشناس مسایل منطقه اظهار کرد: معتقدم از نظر امریکایی‌ها اقدام چین در گسترش روابط با کشورهای عربی منطقه، یک اشتباه راهبردی تلقی می‌شود. چین در حوزه شانگهای فعال است و کشورهای عضو شانگهای هم تاثیر اقتصادی بالایی در منطقه و جهان دارند، اینکه چین از عربستان به جهان عرب و اسلام نفوذ کند مورد پسند و رضایت آمریکا نخواهد بود و حتما برای مقابله آن برنامه دارد.
هانی‌زاده درباره نتایج سفر رئیس‌جمهور چین به عربستان و تاثیر توافقات دو کشور بر ایران گفت: محمد بن سلمان سعی می‌کند چین را از ایران جدا کند از نفوذ چین در شورای امنیت و در جهان استفاده کند. بن سلمان با برگ چین علیه ایران و آمریکا استفاده می‌کند. در حال حاضر او با تیم خود با مشکل پیدا کرده پس سعی می‌کند بازرگری جدید داشته باشد اما آمریکا هم برای چین و هم برای عربستان مشکل ایجاد خواهد کرد. وی افزود: انتظار نمی‌رفت چین‌ها به سرعت به سمت عربستان که رقیب جدی ایران در منطقه است بروند و آغوش خود را به سمت عربستان باز کنند. به نظر چینی‌ها اشتباه بزرگی مرتکب شدند و سعی دارند از ایران فاصله بگیرند و از سفرهای گسترده نفتی عربستان و بازار گرم کشورهای عربی برای کالاهای چینی استفاده کنند. اما این سیاست مشکل‌ساز می‌شود. چون میان ایران و چین یک توافق راهبردی بلندمدت وجود دارد گرایش ناگهانی چین به سمت کشورهای عربی قابل توجه است و جفا و بی‌وفایی چین به ایران تلقی می‌شود. این کارشناس مسایل منطقه تصریح کرد: ایران در این سال‌ها نفت چین را تأمین کرده و رابطه گسترده اقتصادی با چین دارد. به نظر انانیا اشتباه بزرگی مرتکب شدند و باید بداند که عربستان در نزدیکی به چین رویکرد تاکتیکی دارد و بعد از اینکه چین را از ایران جدا کرد رابطه خود را با چین قطع می‌کند. بن سلمان بازی سیاسی خود را از انتخابات ۲۰۲۴ آمریکا ادامه می‌دهد و در انتظار است ببیند جمهوری خواهان پیروز این میدان خواهند شد یا نه. الان اختلاف بین آمریکا و عربستان زیاد است از این رو بن سلمان سعی دارد در دو سال آینده سیاست چندگانه‌ای را با چین و ایران و آمریکا دنبال کند.



وقیانوسیه وزیر امور خارجه کشورمان اظهار داشت: در این ملاقات نسبت به ورود بیانیه مذکور به موضوع تمامیت ارضی ایران ابراز نگرخندی شدید و تأکید شد جزایر سه گانه ایرانی خلیج فارس جزء لاینفک تمامیت ارضی جمهوری اسلامی ایران است که مانند هر بخش دیگر از سرزمین ایران هرگز موضوع مذاکره با هیچ کشوری نبوده و نخواهد بود. کنعانی تصریح کرد: سفیر چین نیز با تأکید بر احترام کشورها به تمامیت ارضی

را به شدت محکوم می‌کند. وی با اشاره به اشراف و توانمندی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران در پاسداری از امنیت دریابوردی در منطقه خلیج فارس و هوشیاری نسبت به هر گونه خشنود و بی‌احتیاطی، بین‌المللی، نسبت به اقدامات مشروع ایران معترض شد.ان کنعانی ادامه داد: جمهوری اسلامی ایران در تأمین امنیت کشور و امنیت منطقه دانست. کنعانی همچنین ضمن ابراز تعجب از درج برخی مطالب در بیانیه مشترک شورای همکاری خلیج فارس و چین یادآور شد مذاکرات رفع تحریم‌های غیرقانونی، منحصr به موضوع هسته‌ای ایران و با طرف‌های شناخته شده بوده و تجربه نشان داده در همان مسیر می‌تواند پیش برود. مصفافاً افزود: آنکه جمهوری اسلامی ایران همیشه برای دست‌نهایی به یک توافق منصفانه و پایدار در این مسیر آماده بوده و هست. سخنگوی دستگاه دیپلماسی با اشاره به دیدار روز شنبه سفیر چین با دستیار آسیا

سیاسی

یادداشت

سیاست خارجی ایران واقعا نه شرقی و نه غربی است؟

اعظم ملایی

در ماه‌های اخیر سیاست خارجی کشور نیز هم‌راستا با تحولات داخلی، به سمت و سویی جدید حرکت کرده است؛ به سمت نوعی سیاست خارجی نه شرقی – نه غربی خاص! از این باب‌ت که مراد از این سیاست زمانی که توسط بنیانگذار انقلاب مطرح شد، این بود که جمهوری اسلامی ایران باید وابسته و وامدار هیچ کشوری، نه در غرب، نباشد و ضمن تعامل مثبت با کشورهای دوست و غیر متخاصم در هر کجای عالم، استقلال خود را از هر دو جبهه حفظ کند. با این وجود در شرایط کنونی به ویژه پس از ایجاد وقفه طولانی بی‌شائبه‌ای در دشمنی با ایران رسیده اند و در صدور قطعنامه و تحریم علیه کشورمان، بر یکدیگر سبقت می‌گیرند. در جبهه شرق (مراد کشورهای خارج از بلوک غرب است نه شرق جغرافیایی) نیز دوستان و متحدان به اصطلاح استراتژیک ایران، یک به یک توسط دشمنان جمهوری اسلامی ایران جذب، تسلیم و مجاب به کاهش سطح روابط با ایران می‌شوند. در فتنه‌های گذشته لغو تحریم‌های نفتی ونزولترا را شاهد بودیم تا منابع انرژی این کشور دوست در آمریکای لاتین، دفعده بازارهای جهانی انرژی از تداوم تحریم‌های ایران و روسیه را برطرف کند و کشورهای غربی را هر چه بیشتر از نفت و گاز ایران بی‌نیاز کند و در روزهای اخیر نیز نزدیک‌تر شدن روابط چین با کشورهای عرب حوزه خلیج فارس و موافقت و همراهی رئیس جمهوری این کشور با بیانیه‌های ضد ایرانی عربستان و شورای همکاری خلیج فارس را شاهد بودیم.

تکلیف روسیه هم که از سال‌ها پیش مشخص بوده؛ این کشور که در شرایط طبیعی پیشا جنگ اوکراین، هر جا مناقشش ایجاد می‌کرد، قید همکاری با ایران را می‌زد؛ با رقیبا و دشمنان ایران از جمله رژیم صهیونیستی به توافق می‌رسید؛ ضربه به احیای برجام از هیچ تلاشی فرورنگار نکرد تا مجادبا ایران به جایگزینی برای منابع انرژی‌اش تبدیل شود و از سوی دیگر با ازران فروشی منابع خود تلاش کرده به تصاحب بازارهایی که به طور سنتی متعلق به ایران بوده بپردازد و با پا گذاشتن روی شانه‌های ایران، موقعیت جمهوری این کشور با بیانیه‌های ضد ایرانی عربستان و شورای همکاری خلیج فارس را شاهد بودیم.
اقتصاد جنگ زده خود را تقویت کند.

بر این اساس به نظر می‌رسد با وجود سیاست‌های اعلامی دولت و دستگاه دیپلماسی کشور مبنی بر اولویت دهی به نگاه به شرق و همچنین توسعه روابط با همسایگان، در وضعیت کنونی در هیچ یک از دو عرصه موقعیتی نداشته‌ایم و تنگناهای عرصه سیاست خارجی امروز بیش از هر زمان دیگری (و البته تا حدی مشابه با وضعیت دوران جنگ تحمیلی) است. این وضعیت هر چند نااشگر نوعی انزوا یی بین المللی جدی و برای هر ایرانی دل‌سوز و دل‌بسته به این آب و خاک نمایانگرانی است؛ اما نکته امید بخش این است که راه‌های برون رفت از این وضعیت بحرانی هنوز مسدود نشده است و بازگشت به سه اصل کلیدی سیاست خارجی کشور یعنی؛ «عزت، حکمت و مصلحت»، می‌تواند در این شرایط، مؤثر و راهگشا باشد. در این راستا به نظر می‌رسد تصمیم گیران اصلی عرصه سیاست خارجی با بهره گیری از مصلحت اندیشی، ابتکار عمل و البته اندکی جسارت و بیشتر می‌توانند سکان سیاست خارجی کشور را به سمت مسیر هموارتر و بی‌خطرتری هدایت کنند.

امروز با پیوستن چین به جرگه کشورهای عربی منتقد و مخالف ایران، دیگر «دعاها» (مبنی بر برخورداری از دوستان و متحدان استراتژیک متعدد در شرق) مشکلی را از ایران رفع نمی‌کند، باید بپذیریم که در سیاست خارجی دچار مشکلات جدی شده‌ایم و حفظ و ارتقای این موقعیت و بازگشت به سه اصل کلیدی سیاست راه‌هایی برای نجات کشور از این وضعیت باشیم؛ اما راهکارهای برون رفت از این شرایط خاص نه غربی – نه شرقی چیست؟

در گام نخست باید گفت همچون دوران جنگ تحمیلی، تصمیم گیران عرصه سیاست خارجی در وضعیت کنونی نیز باید به این جمع بندی برسند که جمهوری اسلامی ایران نمی‌تواند برای طولانی مدت یک تنه در مقابل همه دنیا بایستد؛ چرا که این امر منابع و سرمایه‌های کشور را به سمت نابودی می‌برد و با تشدید بحران‌های اقتصادی، مدیریت عرصه داخلی را نیز دشوار می‌کند. بنابراین در شرایطی که اعتراضات و اغتشاشات داخلی در ایران دستمایه‌ای برای فشارهای همه جانبه بین المللی علیه ایران ایجاد کرده و موضع گیری‌ها و اقدامات متقابل ایران نیز بعضاً بی‌نتیجه و کم بازده هستند، لازم است دستگاه دیپلماسی کشور با فاصله گرفتن از مواضع تندروانه و تقابلی و در عوض، بهره گیری از حکمت و صیه‌های عقلا و خردمندان عرصه سیاست خارجی، مصلحت اندیشی گسترده تری برای مجاب افکار عمومی جهانی و تقویت وجهه و اعتبار ایران در مجامع بین المللی انجام دهد.

البته از آنجا که وزارت امور خارجه تنها نقش مجری سیاست خارجی را برعهده دارد، لازم است این مصلحت اندیشی در مراکز دیگری از جمله شورای عالی امنیت ملی، مجمع تشخیص مصلحت نظام و جلسات مشترک سران سه قوه صورت بگیرد و با مدیریت بهینه اعتراضات و اغتشاشات داخلی، دست وزارت امور خارجه را در نمایش وجهه حقوق بشری، رفوفانه و مردمی نظام جمهوری اسلامی ایران در عرصه بین المللی باز کند.

در گام دوم لازم است نتایج این مصلحت اندیشی و حکمت، به نمایش عمومی گذاشته شود. با بنیادی امروز باید با زبान خودش سخن گفت و این مسأله مناقفاتی با اصول و ارزشهای بنیادین ج.ا. ایران ندارد ؛ بلکه تنها میزانی تمرکز بیشتر بر این اصول، ترجمه آنها به سیاستها و اصول جهانی و عام الشمول و بهره گیری از تکنیک‌های رسانه‌ای تخصصی و حرفه‌ای تر را می‌طلبد. امروز مردم‌سالاری دینی، عدالت و برابری در جمهوری اسلامی ایران بر مبنای آنها بنا شده و همچنین اهمیت حفظ کرامت شهروندان، حق التماس و مردمی و نقد پذیر بودن حاکمان که جزء اصول حکومت دینی و علوی هستند، باید برجسته سازی و پررنگ شده و برد جهانی پیدا کنند. لازم است مسئولان دولتی با پذیرش برخی کاست‌ها و اشتباهات صورت گرفته، دشمن و رسانه‌های معاند را از مانوردهسی مکرر بر این نقاط ضعف خلع سلاح کنند و کمیدی اهتمام به رفع مشکلات (برای تحیبب قلوب مردم و جلب رضایت و حمایت حداکثری آنها)، عطفوف و صبوری در مقابل مسترضان و منتقدان و نحوه پیگیری و تأمین مطالبات آنها را به سوره‌های برجسته رسانه ای و تبلیغاتی تبدیل کند و از این مسیر از شدت فشارهای بین المللی بکاهد. گام سوم خارج شدن از قاف شاعر و ژست گیری مخصوص دوران انتخابات و تدوین برنامه‌های عملیاتی تاکتیکی کشورهای مختلف در جبهه‌های شرق و غرب است.

پیشرود موفق اهداف و اصول سیاست خارجی و تأمین منافع و امنیت کشور مستلزم توسعه روابط با کشورهای مختلف است؛ تا زمانی که از سوی همه کشورهای مؤثر و قدرتمند در جامعه جهانی طرد شده باشیم و روابط ما با هیچ قدرت شرقی و غربی به سطح استراتژیک (واقعی) نرسیده باشد، بر خلاف آرمان‌ها و اصولمان و البته سندن چشم انداز بیست ساله، نه یک بازگر الهام بخش، فعال و کنشمنده، بلکه در عمل وبسده و ابزاری برای چانه زنی، معامله و امتیازگیری دوست و دشمن خواهیم بود.

بر این اساس باید گفت هر چند این روزها حال و اوضاع سیاست خارجی کشور هم همچون سیاست داخلی و البته تا حد زیادی متأثر از آن خوب نیست؛ اما این به معنای رسیدن به بن بست نیست؛ بلکه اندکی چرخش و تغییر زاویه دید برای یافتن درها و مسیرهای جدید لازم است.

منبع:دیپلماسی ایرانی

رویداد

سفر هیات وزارت مهاجران افغانستان به ایران

شماری از مقام‌های وزارت مهاجران برای شرکت در نشست چهارجانبه‌ای که مشترکاً میان افغانستان، ایران، پاکستان و کمیسیون سازمان ملل در امور پناهندگان برگزار می‌شود، به ایران سفر کرده‌اند.

به گزارش خبرگزاری طلوع نیوز، مسئولان وزارت مهاجرت افغانستان اعلام کردند که قرار است مشکلات مهاجران افغانستان در ایران و جستجوی راه حل در این نشست بررسی شوند.

عبدالرحمان راشد، مدیر داخلی وزارت مهاجران گفت: «به همراه جمهوری اسلامی ایران و پاکستان توافق‌نامه‌ای امضا می‌کنیم که به چه شکل مشکلات حل شود تا مهاجران داوطلبانه به کشور بازگردند.»

شماری از مهاجران افغانستان که در کشورهای مختلف بسر می‌برند، می‌گویند که با مشکلات و چالش‌های زیادی روبه‌رو هستند.